

## **The Role of Endowments and Offerings in Disseminating the Ashura Rituals in Iran from the Period of the Buyid Dynasty to the Safavid Dynasty<sup>1</sup>**

Mahtab Shurmij \* Mansur Dadashnejad \*\*

Muhammad Shurmij \*\*\* Ali Aghanoori \*\*\*\*

(Received on: 2019-07-06; Accepted on: 2019-08-08)

### **Abstract**

Endowments and offerings have played an important role in the spread of Ashura rituals in Iran. The participation of the political and popular classes in economic, cultural and social activities has made this presence bolder and more tangible over time. From the time of the Buyid dynasty to the beginning of the Safavid era (1501 to 1736), samples of endowments and offerings for the dissemination and implementation of the Ashura rituals can be analysed. Among the measures taken by the Shiites and the followers of the purified progeny of the Holy Prophet are the numerous endowments and offerings dedicated to the construction of the holy shrines of the Shiite Imams, the building of schools, libraries, a gathering spot for the Sayyids and conducting the mourning ceremonies. By scrutinizing the existing historical data, this descriptive-analytic research seeks to examine the extent of the effects of the endowments and offerings of these periods in disseminating the Ashura rituals in Iran. By studying different sources, it was finally concluded that endowments, offerings, and charities were very effective in promulgating the Ashura rituals and led to the growth of Shi'ism among the people of Iran..

**Keywords:** Shi'ism, Ashura rituals, Endowments, Offerings, Charities.

---

1. This article has been taken from: Mahtab Shurmij "An analysis on the Ashura Rituals in Iran From the Period of the Buyid Dynasty to the Safavid Dynasty", a Doctorate thesis, Mansur Dadashnejad, Muhammad Shurmij, The Faculty of Shiology, University of Religions, Qom, Iran, 2020.

\* Ph.D. Student in Shiite History, University of Religions, Qom, Iran, mahtab.shourmeij@toniau.ac.ir.

\*\* Associate Professor of Islamic History, Institute of the Islamic Seminary and University Research Center, Qom, Iran, (Corresponding Author), Mdadashnejad@noornet.net.

\*\*\* Associate Professor of History, Payame Noor University, Tehran, Iran, m.shoormeij9@pnu.ac.ir.

\*\*\*\* Associate Professor of Twelver Shiite History, University of Religions, Qom, Iran, aghanoori@urd.ac.ir.

## نقش موقوفات و نذورات در گسترش آیین‌های عاشورایی در ایران از آل بویه تا صفویه<sup>۱</sup>

مهتاب شورمیج\*

منصور داداش نژاد\*\* محمد شورمیج\*\*\* علی آفانوری\*\*\*\*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۶]

### چکیده

موقوفات و نذورات در گسترش آیین‌های عاشورایی در ایران نقش بسزایی داشته است. مشارکت طبقات سیاسی و عامه مردم در فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی موجب شد با گذشت زمان این حضور پررنگ و محسوس‌تر شود. از زمان آل بویه تا آغاز عصر صفویه (۳۳۴-۹۰۷ ه.ق.) نمونه‌هایی از اختصاص موقوفات و نذورات برای تبلیغ و اجرای آیین‌های عاشورایی می‌توان جست‌وجو کرد. از جمله اقدامات شیعیان و علاقه‌مندان به خاندان عصمت و طهارت در اختصاص موقوفات و نذورات متعدد برای ساخت حرم امامان شیعه، ساخت مدرسه، کتابخانه، دارالسیاده و برگزاری مراسم سوگواری است. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی در پی آن است که با موشکافی در داده‌های موجود تاریخی نشان دهد موقوفات و نذورات این ادوار تا چه اندازه در گسترش آیین‌های عاشورایی در ایران مؤثر بوده است. با بررسی منابع مختلف در نهایت این نتیجه حاصل شد که وقف، نذورات و صدقات در گسترش آیین‌های عاشورایی مؤثر بوده و سبب رشد تشیع در میان مردم ایران شده است.

کلیدواژه‌ها: تشیع، آیین‌های عاشورایی، وقف، نذورات، صدقات.

۱. این مقاله برگرفته از: مهتاب شورمیج، «بررسی و تحلیل آیین‌های عاشورایی در ایران از آل بویه تا آغاز عصر صفوی»، رساله دکتری، منصور داداش نژاد، محمد شورمیج، دانشکده شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۳۹۸، است.

\* دانشجوی دکتری تاریخ تشیع اثناعشری، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران [mahtab.shourmeij@toniau.ac.ir](mailto:mahtab.shourmeij@toniau.ac.ir)  
\*\* دانشیار گروه تاریخ اسلام، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران (نویسنده مسئول) [Mdadashnejad@noornet.net](mailto:Mdadashnejad@noornet.net)  
\*\*\* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران [m.shoormeij9@pnu.ac.ir](mailto:m.shoormeij9@pnu.ac.ir)  
\*\*\*\* دانشیار گروه تاریخ تشیع اثناعشری، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران [aghanoori@urd.ac.ir](mailto:aghanoori@urd.ac.ir)

### مقدمه

مقصود از «وقف» و «نذورات» در رواج و تداوم آیین‌های عاشورایی در این مقاله مسائلی است که کارکرد اقتصادی، مالی و حمایت مادی دارد. با توجه به طرح مسئله، آنچه در این مقاله از آن یاد شده عبارت است از: وقف، نذورات، صدقات و پرداخت مقرری به سادات و معافیت سادات از پرداخت مالیات و غیره که از جانب حاکمان وقت، وزرا و سایر طبقات جامعه به نیت حمایت از تشیع و علویان وقف می‌شد که می‌توانست غیرمستقیم و تلویحی در رواج آیین‌های عاشورایی نقش مهمی ایفا کند.

عوامل مذکور در رواج و تداوم آیین‌های عاشورایی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ یک دسته به طور صریح و واضح در رواج و تداوم آیین‌های عاشورایی سهیم است؛ دسته دوم عواملی است که غیرمستقیم و تلویحاً موجب رواج و تداوم آیین‌های عاشورایی شده است. عواملی که به پژوهشگر کمک می‌کند تا بتواند پی ببرد که کدام دسته از عوامل در رواج آیین‌های عاشورایی در این بازه زمانی تأثیر داشته است، در واقع همان عوامل غیرمستقیم و تلویحی است. زیرا عوامل اقتصادی که مستقیماً و صریحاً در این بازه زمانی در رواج آیین‌های عاشورایی نقش داشته باشد یا نایاب است یا نمی‌توان از آنها خبری در متون تاریخی و تحقیقات معاصر یافت.

مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که: عواملی چون موقوفات و نذورات به چه میزان در گسترش آیین‌های عاشورایی در ایران از آل بویه تا آغاز عصر صفوی تأثیرگذار بوده است؟

### پیشینه تحقیق

درباره نقش موقوفات و نذورات در گسترش آیین‌های عاشورایی در ایران، کتاب یا مقاله تخصصی نگاشته نشده، اما درباره وقف در تمدن اسلامی، کتاب و مقالات متعددی نوشته شده و حتی اداره اوقاف همایشی را هم با این موضوع برگزار کرده است. از جمله تحقیقات جدیدی که به موضوع مد نظر ما در این پژوهش اشاره دارد کتاب *آل بویه و اوضاع زمان ایشان اثر علی اصغر فقیهی* است. فصل اول از بخش سوم

- کتاب تحت عنوان «اوضاع دینی و مذهبی» به شکل پراکنده مطالبی درباره صدقات امیران آل بویه به مجاوران کربلا و نجف دارد (فقیهی، ۱۳۶۶: ۴۶۴). همچنین مقالات ذیل:
۱. «جایگاه وقف در توسعه تشیع در عصر ایلخانان» (ایزدی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۱) که نویسندگان صرفاً به نقش وقف در گسترش تشیع در عصر ایلخانان پرداخته‌اند.
  ۲. «چهار مدرسه موقوفه از دوره تیموریان و صفویان» (پسندیده، ۱۳۸۳) که راجع به چهار مدرسه وقف‌شده از مدارس عصر تیموریان و صفویه است و اشاره‌ای به موضوع محل بحث در پژوهش ما ندارد.
  ۳. «بررسی موقوفات ایران در قرن ۶ و ۸ هجری» (لمبتون و نیوتون، ۱۳۸۴) که درباره موقوفات ترکان‌خاتون در سال ۳۷۶ ه.ق. است و ارتباطی با آیین‌های عاشورایی ندارد.
  ۴. «بررسی موقوفات زنان در دوره تیموری» (علی‌زاده و سام، ۱۳۹۴) که موقوفات زنان دوره تیموری از جمله بناهای مذهبی و عام‌المنفعه در خراسان و سمرقند را، که پایتخت‌های حکومتی و مذهبی تیموریان بود، بررسی کرده و اشاره‌ای به آیین‌هایی عاشورایی ندارد.
  ۵. «بررسی مسئله وقف در حکومت آل بویه» (ایزدی‌نیا، ۱۳۹۴) که به نقش امرا و وزرای بویه با انگیزه‌های متفاوت در ساخت مساجد و خدمات عام‌المنفعه پرداخته است.

### تعریف مفاهیم

پدیده وقف در تفکر اسلامی سابقه‌ای به درازای اصل اسلام دارد و در فرهنگ و تمدن اسلامی نقش مؤثری داشته است. ابتدا چند اصطلاح مهم در این موضوع را تعریف و تبیین می‌کنیم.

۱. «وقف» در لغت به معنای ایستادن و درنگ کردن بیشتر است (طریحی، ۱۴۰۸: ۵۳۵/۲) و «در اصطلاح فقهی به معنای نگه‌داشتن و حبس کردن عین ملکی است بر ملک واقف آن [نه ملک خدا] و مصرف کردن منفعت آن در راه خدا؛ و بعضی از فقها گویند وقف حبس عین است بر ملک خدای تعالی؛ بنابراین، ملکیت مالک آن به خداوند

۲. «نذورات» جمع «نذر» است. «آنچه واجب گردانند بر خود یا آنچه واجب کنند به شرط چیزی. آنچه کسی بر خود واجب گرداند. آوردن لفظ «نذر» شرط نیست. نذر و نیاز نقدی یا جنسی است که به نیت حاجت‌رواشدن به زاهدی یا سیدی یا به تربیت کسی از اولیا و ائمه پیش‌کش کنند» (همان: ۴۱۶/۴۷-۴۱۷).

۳. «صَدَقَه» که جمع آن «صدقات» است. «صدقه» و «زکات» دو اسمی است که یک معنا دارد و از مسلمانان متمول می‌گرفتند و به فقرای اسلام می‌دادند (همان: ۱۷۶/۴۷).

### سیر تاریخی وقف در اسلام

پس از تشکیل نخستین حکومت اسلامی در مدینه به همت پیامبر (ص) و شکل‌گیری زندگی شهری و تنوع شغلی، وقف و اموال وقفی نیز مطرح شد. در تاریخ صدر اسلام نخستین صدقه و اموال وقفی در اسلام را وقف از جانب پیامبر خدا (ص) در غزوه احد پس از کشته‌شدن مخیربیک، از بزرگان یهود بنی‌نظیر، دانسته‌اند (واقعی، ۱۴۰۹: ۳۷۸/۱). ائمه (ع) نیز موقوفاتی داشتند، از جمله موقوفات امام علی (ع) که در منابع آمده است (ابن‌شبه‌نمیری، ۱۴۱۰: ۲۲۵/۲-۲۲۸).

سنت وقف فقط در دین مبین اسلام نبوده است، بلکه در میان ادیان دیگر هم وجود دارد. وقف و کمک به هم‌نوع و افراد بی‌بضاعت و صرف اموال در راه امور خیریه یکی از مبرزترین و جالب‌ترین کنش‌های اخلاقی در ادیان و مذاهب جهان است. این سنت حسنه در قرن چهارم و پنجم هجری با روی کار آمدن دولت قدرتمند شیعه‌مذهب آل بویه (۳۳۴-۴۴۷ ه.ق.) در بغداد و ایران رونق یافت و نقش چشم‌گیری در گسترش تمدن اسلامی ایفا کرد. برای نمونه، عضدالدوله بیمارستانی را در بغداد احداث و آن را وقف مردم کرد (مجمعل‌التواریخ، ۱۳۱۸: ۳۹۴). پس از دوره آل بویه این سنت حسنه کم‌رنگ شد و تا حدودی از رونق افتاد. با تأسیس حکومت ایلخانی و قدرت‌گیری امرا و علمای شیعی و با درایت وزرای چون نصیرالدین طوسی و رشیدالدین فضل‌الله که نزد ایلخانان مغول ثقه بودند، این سنت دوباره رونق یافت (ایزدی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۱: ۳).

### ۱. نقش موقوفات در رواج و تداوم آیین‌های عاشورایی

در فرهنگ ایرانی اسلامی وقف به عنوان سنتی حسنه کارکردهای مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و اقتصادی دارد و همواره محل توجه حکام و مسلمانان بوده است. درآمد اوقاف در طول تاریخ تاکنون صرف امور عام‌المنفعه‌ای چون ساخت مراکز آموزشی و مذهبی، حمایت از فقرا، ساخت قنات، آب‌انبار و بسیاری از دیگر امور عام‌المنفعه می‌شد.

نقش وقف در ابتدا و در دوران رشد، کاهش فقر مادی بود. اما با توانمندی و بارور شدن فرهنگ انسانی فرصت بیشتری یافت و نابودی فقر معنوی را هم هدف قرار داد؛ چنان‌که در ادوار بعدی شاهد حضور جدی وقف در تأسیس مراکز علمی، کتاب‌خانه‌ها و موضوع تعلیم و ... هستیم. این سنت حسنه در قرن چهارم و پنجم هجری با روی کار آمدن دولت قدرتمند شیعه‌مذهب آل بویه در بغداد و ایران رشد کرد و در جهت رشد فرهنگ معنوی قرار گرفت، چنان‌که عضدالدوله از حاکمان شیعی آل بویه اموال بسیار برای عمران و آبادی مملکت وقف کرد. مستوفی در کتابش می‌گوید: «عضدالدوله بر دارالشفا بغداد چندان وقف کرد که صد هزار دینار عامل حاصل داشت» (مستوفی، ۱۳۸۱: ۴۱۵). همچنین، صاحب *مجمل‌التواریخ* در این زمینه می‌گوید: «از جمله خیرات که ایزد تعالی او را [عضدالدوله] توفیق داد بیمارستان بغداد است و اوقاف و ترتیب آن، و گویند به کسب دسترنج خویش آن همه مال و نعمت جمع شدند که در آن صرف شد» (مجمل‌التواریخ، ۱۳۱۸: ۳۹۴).

ابن کثیر دمشقی از وقف کتاب‌خانه به همراه کتاب‌های متعدد برای فقها از جانب وزیر بهاء‌الدوله دیلمی چنین گزارش می‌دهد: «در سال ۳۸۳ ه.ق. ابونصر سابور بن اردشیر [وزیر بهاء‌الدوله] کتاب‌خانه‌ای در محله کرخ بغداد بنا کرد و کتاب‌های بسیار بر فقها وقف کرد» (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۳۳۳/۱۱). با توجه به اینکه محله کرخ محله‌ای شیعه‌نشین در بغداد است وقف کتاب‌خانه و کتاب برای فقها خود انگیزه و عاملی برای توسعه و تداوم تشیع در عصر آل بویه بوده است. بالطبع این گونه فعالیت‌های فرهنگی

توسعه یافت و وقف برپایی مراسم عاشورایی نیز در برنامه‌های واقفان گنجانده شد. این روال در رواج آیین‌های عاشورایی مؤثر بود. همچنین، در زمان آل بویه نذورات و موقوفاتی به زیارتگاه‌ها اختصاص داده شد و تسهیلاتی برای زائران و تشویق مردم به سکونت در جوار مکان‌های مقدس فراهم آمد (پوراحمدی، ۱۳۸۸: ۸).

در دوره سامانیان، مانند حکومت‌های پیشین، برای اداره امور حکومت، دیوان‌های متعددی از جمله دیوان اوقاف وجود داشت (نرشخی، ۱۳۶۳: ۳۶). با توجه به اینکه سامانیان سنی حنفی بودند علویان را حرمت می‌نهادند و در بزرگداشت آنها می‌کوشیدند. نرشخی از منطقه‌ای به نام «افشنه» نام می‌برد که موقوفه طالبان علم بود. وی می‌نویسد: «افشنه شارستانی بزرگ دارد و حصاری استوار و نواحی به وی منسوب باشد. ضیاع و بیابان این دیهه وقف است بر طلبه علم» (همان: ۲۲). از جمله دهات دیگری که نرشخی آن را از موقوفات عصر سامانیان برمی‌شمرد چنین است:

برکد دیهه قدیم و بزرگ است و کندزی [حصار] عظیم دارد و این دیهه را برکد علویان خوانند، بدان سبب که امیر اسماعیل سامانی این دیهه را خرید و وقف کرد، دو دانگ بر علویان و جعفریان، دو دانگ بر درویشان و دو دانگ بر ورثه خویش (همان).

در دوره سلجوقیان، که پیرو مذهب سنی حنفی بودند، دیوان موقوفات وجود داشت. اما وجود وزرا و دیوان‌سالاران شیعه در این حکومت راه را برای احترام به علویان و سادات و ورود شیعیان به دستگاه سلجوقیان هموار می‌کرد. از جمله وزرای شیعی این دوره مجدالملک قمی است که توجه خاصی به سادات داشت و به آنان احسان و عطایا می‌داد (قریشی کرین، ۱۳۹۷: ۱۷). گرچه شاید به‌ظاهر احترام به سادات جزء عوامل رواج آیین‌های عاشورایی محسوب نمی‌شود اما می‌توان گفت تلویحاً بی‌تأثیر نیست. در همین زمان شهر قم شهری شیعی بود و به حرم مطهر آستان حضرت فاطمه معصومه (ع) در سده‌های پنجم و ششم قمری توجه شایانی شد. در این سده‌ها حرم حضرت دارای اوقاف، تشکیلات و تولیت بود. متولی حرم، اداره امور اوقاف،

تعیین مدرس، فقها، ائمه جماعات، عزل و نصب تمامی مشاغل و مناصب را در آستانه به عهده داشت (مطهری و اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۱) که بیانگر نهاد وقف و تأثیر آن در امور مذهبی است.

در دوره خوارزمشاهی، مانند حکومت‌های پیشین، دیوان اوقاف وجود داشت، اما چون سنی حنفی بودند عوامل اقتصادی همچون موقوفات و نذورات و هدایا که در رواج آیین‌های عاشورایی دوره آل بویه نقش داشت در این دوره نبود. می‌توان گفت اموری همچون موقوفات، نذورات و هدایا در تشویق و ترویج آیین‌های عاشورایی در قرون پنجم و ششم نقش بسیار ضعیفی داشته است. زیرا سازمان اوقاف بیشتر به دست اهل سنت اداره می‌شد.

در اوایل دوره مغول به سبب نفوذ طرفداران سیاست تهاجم و صحراگردی دستگاه مغول، اموال و املاک بزرگان و عامه مردم در معرض تاراج و غارت قرار گرفت. در نتیجه اموال وقفی نیز به تاراج رفت. امرا، شاهزادگان و نظامیان مغول املاک وقفی را تصاحب کردند ولی با تأسیس حکومت ایلخانی به دست هلاکوخان مغول و مشورت با دانشمندانی همچون نصیرالدین طوسی و استفاده از دیدگاه آنها وضعیت اداری کشور به تدریج تغییر کرد و اداره امور موقوفات نیز سر و سامان گرفت. نصیرالدین طوسی مسئول امور موقوفات شد. همین امر سبب شد املاک وقفی بار دیگر تنظیم و در دفتر مالی و اداری ضبط شود (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۴: ۱۹۱).

نصیرالدین طوسی پس از تأسیس رصدخانه مراغه برای هزینه رصدخانه و مستمری علمایی که در آن مشغول تدریس و تعلیم بودند سهمی از اوقاف در نظر گرفت. اموال اوقاف به شکلی هزینه می‌شد که همه مسلمانان، به‌ویژه شیعیان، از مزایای آن سود می‌بردند (ایزدی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۱: ۴). به هر یک از مدرسان و علمای بزرگ رصدخانه، بر اساس تخصص‌شان، مقرری پرداخته می‌شد. این کمک‌ها به طور دائم و برای همه علما و اهل علم، به‌ویژه علمای شیعه، داده می‌شد (همان: ۱۵۴-۱۵۵). نصیرالدین طوسی با پذیرش ریاست اداره موقوفات سر و سامانی به آن داد و در هر شهر و دیه‌ی



نماینده‌ای بر اوقاف گماشت و دفترهای مربوط را تنظیم کرد و اجازه یافت عواید آن را برای امور خیریه و فرهنگی خرج کند که از این منظر نوعی نوآوری بود (بیانی، ۱۳۷۱: ۴۰۷/۲).

پس از مرگ نصیرالدین طوسی در سال ۶۷۲ ه.ق. از جمله وزرایی که در گسترش موقوفات اسلامی نقش بسزایی داشت رشیدالدین فضل‌الله همدانی بود. وی از زمان ایلخانی گیخاتو مغول به مقام وزارت دیوانی منصوب شد (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۴: ۴۴۸). در عهد غازان‌خان و اولجایتو به اوج قدرت رسید و ریاست موقوفات ایلخانان را بر عهده داشت.

غازان بعد از گرایش به اسلام، به دنبال پیروی از سنت‌های اسلامی برخلاف سنت بزرگان و سلاطین مغول، آرامگاهی برای خود در محله شنب‌غازان تبریز ساخت و موقوفاتی برای آن در نظر گرفت (بیانی، ۱۳۷۱: ۴۷۲/۲). این موقوفات هر ساله بیش از صد تومان زر عایدی داشت و تولیدش بر عهده رشیدالدین فضل‌الله بود (همان). غازان‌خان در سال ۷۰۲ ه.ق. فرمانی صادر کرد که در همه بلاد، همانند تبریز، دارالسیاده برای علویان ساخته شود. در جامع‌التواریخ چنین آمده است:

فرمود تا در تبریز و دیگر ولایات معظم در تمامت ممالک در بلاد معتبر چون اصفهان و شیراز و بغداد و امثالها، دارالسیاده سازند تا سادات آنجا فرو آیند و جهت مصالح ایشان وجهی که مصلحت دید، به موجبی که وقف‌نامه به ذکر آن ناطق است، معین فرمود تا ایشان نیز از خیرات او بایهره باشند (همدانی، ۱۳۶۷: ۹۸۵/۲).

به دنبال این فرمان در شهرهای بزرگی چون بغداد دارالسیاده ساخته شد و املاک و دهات متعددی بر آنها وقف کردند تا هر ساله از عواید آن ده هزار دینار به سادات علوی اختصاص دهند (بیانی، ۱۳۷۱: ۵۹۹/۲). همچنین، شوشتری می‌نویسد که غازان دستور داد به منظور اسکان سادات دارالسیاده‌هایی را به صورت وقفی احداث کنند (شوشتری، ۱۳۷۶: ۳۵۵/۲). در نتیجه به مرور نهاد وقف در دوره غازان در جهت احیا و

رشد فرهنگ به کار گرفته شد. بدین ترتیب برخی از دوستداران شیعی حکومت ایلخانی از نهاد وقف برای ترویج شعایر عاشورایی نیز استفاده کردند.

بی‌شک رشیدالدین فضل‌الله، به عنوان ایدئولوگ دستگاه دیوانی ایلخانی مغول، نقش مهمی در احیای فرهنگی ایران از جمله موقوفات داشت. اقدامات فرهنگی وی تحت پوشش دین اسلام متعدد است، از جمله ایجاد محله ربع رشیدی در تبریز که مجموعه‌ای علمی، هنری، صنعتی و دانشگاهی بود (بیانی، ۱۳۷۱: ۴۹۴/۲). در وقف‌نامه ربع رشیدی که امروزه به خط خود او موجود است، شرح اقسام و موقوفات آمده است (همدانی، ۱۳۵۰: ۵۳-۳۱۹). وی در مکاتبات رشیدی قسمتی از کار و خرج ابواب البر ربع رشیدی را ذکر می‌کند که در آنجا از هزینه‌هایی برای اعیاد و شب‌هایی چون عاشورا سخن گفته است (همو، ۱۹۴۵: ۴۱۸-۴۲۳؛ بیانی، ۱۳۷۱: ۴۹۷/۲). این مکاتبات نشان‌دهنده حمایت از سادات و علمای شیعه است.

غازان از ابتدای سلطنت به خاندان حضرت علی (ع) ارادت داشت (همدانی، ۱۳۶۷: ۹۹۷/۲). وی موقوفات متعددی برای زیارتگاه‌های امامان شیعه وقف کرد (شبانکاره‌ای، ۱۳۷۶: ۲۶۸؛ الشیبی، ۱۳۷۴: ۷۷). غازان‌خان چندین بار در مواقع حساس برای طلب یاری به زیارت مشاهد متبرکه مشهد، کاظمین، نجف و کربلا رفت و اوقاف فراوان برای آنها مقرر کرد (همدانی، ۱۹۴۰: ۱۹۰؛ همو، ۱۳۶۷: ۹۹۷/۲). همچنین، امیران مغولی متمایل به شیعه، غازان را واداشتند تا در نهرهای اصفهان، کاشان، سیواس، تبریز و کوفه موقوفات بسیار برای علویان وقف کند (الشیبی، ۱۳۷۴: ۷۷). این اقدامات بیانگر نفوذ علمای شیعه در دستگاه حکومت ایلخانی دوره غازان‌خان و اولجایتو است.

بعد از غازان‌خان پسرش اولجایتو به حکومت رسید. وی پس از قبول تشیع به اقداماتی دست زد، از جمله صدور فرمانی مبنی بر تغییر خطبه، حذف نام سه خلیفه اول و افزودن نام حضرت علی (ع)، امام حسن و امام حسین (ع) به جای آنها در سراسر ایالت عراق (بیانی، ۱۳۷۱: ۶۰۴/۲). از دیگر اقدامات اولجایتو ضرب سکه‌های جدید با نام دوازده امام (ع) بود (القاشانی، ۱۳۸۴: ۱۰۰). در این میان یکی از اقدامات مهم وی که نقش

چشمگیری در ترویج مذهب تشیع و بالطبع تلویحاً در رواج آیین‌های عاشورایی داشت و اگذاری مناصب مختلف به بزرگان شیعه و سپردن اداره اوقاف به ایشان بود. اولجایتو روحانیان بزرگ شیعه را از همه ایالت‌ها به دربارش دعوت کرد و از میان ایشان ابن مطهر حلی را به عنوان ملازم و مشاور خود برگزید. علامه حلی نیز به شکرانه پیروزی تشیع و به رسم هدیه سه کتاب به اولجایتو تقدیم کرد: ۱. *نهج الحق و کشف الصدق*؛ ۲. *منهاج الکرامه فی الامه*؛ ۳. *منهاج الیقین فی اصول الدین* (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۴: ۵۰۸).

همچنین، در این دوره سید تاج‌الدین آوجی، با حکم اولجایتو، مقام نقابت سراسر ایران و اداره امور جامعه شیعه، از جمله سرپرستی اداره اوقاف و نظارت بر اماکن متبرکه، را بر عهده داشت (اشپولر، ۱۳۸۶: ۲۴۶). توجه حکومت ایلخانان به بازسازی مزارها، مساجد، تجدید بنای آنها، توجه خاص به ساخت و مرمت حرم امامان شیعه و امامزادگان و ابنیه رفاهی وقفی مجاور آن باعث شد شیعیان در اطراف مکان‌های مقدس گرد آیند و از آن به عنوان کانونی برای فعالیت‌های تبلیغی و مراسم‌های خود، از جمله مراسم عاشورایی، استفاده کنند (ایزدی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۶۹-۱۷۰).

از آنجایی که اماکن مذهبی در هر جامعه، نمادی از فرهنگ دینی غالب بر آن جامعه است افزایش این اماکن گویای گسترش مذهب شیعه در جامعه است؛ و گسترش مذهب شیعه امامیه، مستقیم و غیرمستقیم، در گسترش آیین‌های شیعی در جامعه تأثیرگذار بوده است.

بیشتر موقوفات عصر ایلخانان که با شیعیان مرتبط بود، مربوط به اماکن مقدس مذهبی مانند عتبات عالیات است. برای نمونه، غازان‌خان برخی از املاک خود را در دهات و قصبات متعدد خراسان وقف مرقد حضرت رضا (ع) کرد (فصیح خوافی، ۱۳۴۱: ۳۸۱). همچنین، به دستور اولجایتو، حرم امام رضا (ع) مرمت، و بخشی از آن نوسازی شد (پرایس، ۱۳۸۹: ۱۰۴). به تدریج از زمان اولجایتو به بعد، شهر مشهد توسعه یافت و یکی از کانون‌های فعال مذهب تشیع در خراسان گردید و به دنبال آن آیین‌های

عاشورایی با آسیب‌های کمتری رواج یافت و شیعیان با آسودگی و امنیت بیشتری این سنت‌ها را برپا می‌کردند.

وقف‌نامه‌های متعددی از دوران ایلخانان به جا مانده است که بخشی از آنها مربوط به اماکن متبرکه و امور مربوط به شیعیان، از جمله مراسم عاشورایی، است (ایزدی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۶۵-۱۷۴). یکی از واقفان عصر ایلخانان به نام سید رکن‌الدین محمد، که با چند واسطه به امام صادق (ع) می‌رسد، از سادات یزد بود. وی در شهر یزد مدرسه، بیت‌الادویه و رصدخانه ساخت (جعفری، ۱۳۸۴: ۱۰۵) و بخشی از درآمد این موقوفات را وقف سادات شهر یزد و حرم امام حسین (ع) در کربلا کرد (افشار، ۱۳۵۴: ۳۹۶/۲). همچنین، در این وقف‌نامه سهمی از درآمد موقوفات هم برای مراسم شیعی در نظر گرفته شد (همان: ۴۰۶). پسرش سید شمس‌الدین بر وقف‌نامه پدر موقوفاتی افزود و سهمی برای سادات علویان و فاطمیان اختصاص داد (همان: ۴۷۶). وی در این وقف‌نامه برای اجرای مراسم شهادت امام حسین (ع) سهمی را اختصاص داده بود و برای واعظان این مراسم نیز مقرری تعیین کرد (همان: ۴۷۹).

در دوران بعد از ایلخانان تا صفویه نمونه‌های بسیار کمی از موقوفات سراغ داریم. مثلاً آل اینجو موقوفاتی مرتبط با امام‌زاده‌ها دارد. تاشی‌خاتون (متوفای ۷۵۰ ه.ق.)، مادر شاه ابو اسحاق بن محمودشاه، که مالک میمند، قصبه‌ای از قصبات فارس، بود، آن را وقف بقعه متبرکه حضرت احمد بن موسی (ع) کرد (جعفری و محمدی، ۱۳۹۷: ۸۸). همچنین، اغلب سلاطین و خوانین آل جلایر اشیای گران‌بها و زیبایی وقف اماکن مقدس نجف و کربلا کردند (نخجوانی، ۱۳۴۳: ۱۶۸-۱۶۹ و ۱۳۶-۱۳۷).

در دوره تیموریان یا گورکانیان (۷۷۱-۹۱۳ ه.ق.) که در ایران و ماوراءالنهر حکومت داشتند (باسورث، ۱۳۸۱: ۵۱۵) سنت وقف تا حدودی مرسوم بود. نقل شده است که میرزا الغ بیگ، پسر شاهرخ، که در ماوراءالنهر و خراسان حکومت داشت، املاک بسیار وقف کرد: «در سال ۸۲۴ ه.ق. میرزا الغ بیگ در وسط شهر سمرقند مدرسه عالی بنا نهاد و ملک بسیار بر وی وقف کرد» (روملو، ۱۳۷۴: ۲۶۲/۱). میرخواند چنین گزارش داده است:

«الغ بیگ در وسط شهر سمرقند به بنای مدرسه‌ای عالی و خانقاه فرمان داد و چندان مزرعه و قریه و مستغلات بر این دو عمارت وقف کرد که هر سال پس از وظیفه مدرسان و طلاب علوم و حفاظ آن دو بقعه مبلغی خطیر زیاد می‌آید» (میرخواند، ۱۳۸۰: ۱۱۵۸/۶). این خبر به‌وضوح نشان می‌دهد که سنت وقف در میان خاندان تیموری نیز وجود داشته است. چه بسا این سنت را درباره امامان شیعه هم جاری کرده باشند. از باب نمونه یعقوب میرزا (یعقوب بیگ بن حسن بیگ) در سال ۸۸۳ ه.ق. به حکومت رسید. وی ارادت خاصی به سادات و فضلا داشت. بوداق قزوینی می‌گوید: «در رواج شریعت به‌غایت کوشید و ادرار<sup>۱</sup> سیورغال به سادات و فضلا داد و زمان او اگرچه اندک بود اما به خوشی و خرمی گذشت» (منشی قزوینی، ۱۳۷۸: ۸۱). در نتیجه می‌توان چنین استنباط کرد که وقف، غیرمستقیم در گسترش آیین‌های شیعی و در پی آن عاشورایی نقش بسزایی داشته است.

از دوره قراقویونلو وقف‌نامه‌هایی به جا مانده است که گویای گرایش‌های مذهبی و اعتقادی آنها است. از جمله وقف‌نامه دو قریه از توابع شیراز با نام‌های «خسروآباد» و «ترکمان‌آباد» که هر دو را امیرزاده یوسف میرزا، فرزند جهان‌شاه قراقویونلو، در سال ۸۶۹ ه.ق. بر آستانه حضرت احمد بن موسی شاه‌چراغ در وجه وظیفه مدرس آستانه مزبور وقف کرده است. امیرزاده یوسف، فرزند جهان‌شاه، از جانب برادرش پیربوداق از ۸۵۸ تا ۸۶۷ ه.ق. حاکم کرمان بود و از جانب پدرش نیز تا سال ۸۷۲ ه.ق. حاکم شیراز بود (فرهنگ ایران‌زمین، ۱۳۵۱: ۲۴۵/۲۰). همچنین، وی دو دیه دیگر از دهات فارس را بر آستانه سلطان نورالدین علی غازی اردکانی در آن منطقه وقف کرده است (همان: ۲۰/۲۶۵-۲۶۶). استواری او را در آیین شیعی از همین اسناد وقفی می‌توان دریافت.

### ۲. نقش نذورات در رواج و تداوم آیین‌های عاشورایی

در تعریف «نذورات» آمده است: «نذر و نیاز نقدی یا جنسی است که به نیت حاجت‌رواشدن به زاهدی یا سیدی یا به تربت کسی از اولیا و ائمه پیش‌کش می‌کنند» (میرخواند، ۱۳۷۸: ۴۱۷/۴۷). از آنجایی که آل بویه شیعه اثنا عشری و دوستدار اهل بیت پیامبر

(ص) بودند نذورات در اندیشه دینی‌شان جایگاه خاص و مهمی داشت. امرای آل بویه معمولاً نذوراتی را برای مرقد امامان شیعه، به‌ویژه امام علی (ع) و امام حسین (ع)، اهدا می‌کردند:

در ماه جمادی‌الاولی سال ۳۷۱ ه.ق. عضدالدوله عازم زیارت کربلا و نجف گردید. پس از ورود به کربلا و زیارت مرقد امام حسین (ع) مبالغ هنگفتی در صندوق مطهر آن حضرت (ع) قرار داد تا بین علویان قسمت شود. وی در بیست‌وپنجم آن ماه به کوفه و نجف رفت و مرقد مطهر امیرالمؤمنین (ع) را زیارت نمود و باز مبالغی در صندوق آن حضرت قرار داد تا میان علویان تقسیم گردد. شماره علویان مقیم نجف یک هزار و هفتصد تن بود که به هر یک بیست‌ویک درهم رسید (فقیهی، ۱۳۶۳: ۴۶۴، به نقل از: فرح‌الغرری، ص ۱۳۲ و ۱۳۳).

سنت پرداختن نذورات در دوره تیموریان نیز معمول بوده است. شاهرخ تیموری در سال ۸۲۱ ه.ق. که برای زیارت امام رضا (ع) رفت قندیلی را که از سه هزار مثقال طلا ساخته بودند در درون گنبد آن حضرت آویخت و به قول روملو «به ایشار نذور و صدقات به اصحاب استحقاق و ارباب حاجات اشارت نمود» (روملو، ۱۳۷۴: ۲۳۶/۱). همچنین، میرزا بابر بن بایسنقر بن شاهرخ (۸۵۱-۸۶۱ ه.ق.) در سال ۸۶۰ ه.ق. بعد از زیارت آستان امام رضا (ع) مجاوران آن آستان را صلوات (صله، انعام) و نذورات نوازش فرمود (همان: ۵۳۷/۱-۵۳۸). این اقدامات در رشد آیین‌های شیعی و گسترش تشیع غیرمستقیم تأثیرگذار بود که بیانگر سهم نقش آفرینی نذورات در نضج و گسترش آیین‌های عاشورایی است.

### ۳. نقش صدقات در رواج و تداوم آیین‌های عاشورایی

درباره پرداخت صدقه در دوره محل بحث در جهت اهداف فرهنگی و مذهبی، می‌خواند می‌نویسد: «عضدالدوله برای مجاوران مکه و مدینه و مشهد حضرت

امام‌المتقین امیرالمؤمنین علی (ع) و امیرالمؤمنین حسین علیهما الصلوة والسلام صدقات فرستاد» (میرخواند، ۱۳۸۰: ۲۹۹۵/۶). در میان ایلخانان مغول از غازان‌خان نقل کرده‌اند که در مواقع خاص برای طلب یاری به زیارت مشاهد متبرکه کاظمین، نجف و کربلا می‌رفت و صدقات بسیاری برای آن اماکن و اهالی‌اش مقرر می‌کرد (همدانی، ۱۹۴۰: ۱۹۰). همچنین، غازان دستور داد میان مجاوران مشاهد متبرکه کاظمین، نجف و کربلا صدقه‌های بسیار تقسیم کنند و هر روز از محصول نهر غازی سه هزار من نان برای ائمه و سادات شهر تخصیص دهند (همان: ۱۴۴). وی در سال ۶۹۳ و ۶۹۸ به عراق رفت و به سادات و علویان کمک بسیار کرد (شبانکاره‌ای، ۱۳۷۶: ۲۶۸). همچنین، سلاطین جلایر پیوسته صدقات و نذوراتی برای خانقاه‌های اماکن مقدس نجف و کربلا می‌فرستادند (نخجوانی، ۱۳۴۳: ۱۲۳-۱۲۴).

### ۴. پرداخت عطایا به مجاوران حرم حسینی

سنت پرداخت عطایا به مجاوران حرم حسینی از نکات مهم در دوره آل بویه بود. امرای آل بویه به هنگام زیارت مرقد امامان شیعه (ع) عطایایی را به مجاوران آن اهدا می‌کردند. مثلاً «در ماه جمادی‌الاولی سال ۳۷۱ ه.ق. عضدالدوله عازم زیارت کربلا و نجف گردید، پس از ورود به کربلا و زیارت مرقد امام حسین (ع) جوایز و عطا‌های فراوانی میان تمام طبقات مردم پخش کرد. پانصد هزار درهم میان مجاوران حرم پخش کرد. به طبقات دیگر هم به فراخور حالشان جوایزی عطا نمود» (فقیهی، ۱۳۶۳: ۴۶۴). این خبر تاریخی حاکی از آن است که عطایا و جوایز امرای آل بویه فقط شامل حال علویان نمی‌شد، بلکه کلیه شیعیان و همه کسانی را که در مجاورت مرقد مطهر امام حسین (ع) زندگی می‌کردند در بر می‌گرفت. این گونه اقدامات سلاطین آل بویه در گسترش تشیع و بالطبع رواج آیین‌هایی چون آیین عاشورایی و ایجاد انگیزه در میان مجاوران عتبات عالیات و محبت به امام حسین (ع) تأثیرگذار بود.

ابن اثیر در حوادث سال ۳۶۹ ه.ق. چنین نوشته است: «عضدالدوله صلوات و

مجاور و خانواده‌های شریف و اصیل در مشاهد متبرکه [امام] علی و [امام] حسین علیهما السلام ببخشید» (ابن‌اثیر، ۱۳۶۴: ۱۲۰/۱۵). اعطای مستمری و صلہ دادن به مجاوران بارگاه امامان شیعه، در دوره آل بویه، در تقویت تشیع و مراسم مذهبی آنها تأثیرگذار بود.

### نتیجه

نقش حاکمان و طبقات سیاسی جامعه ایران از عصر آل بویه تا آغاز عصر صفویه در رواج و گسترش سنت‌ها و آیین‌های عاشورایی کمابیش در متون تاریخی مشهود است. اما در دوره آل بویه نقش‌شان پررنگ‌تر از دوره‌های دیگر است. شاهد این ادعا آنکه اطلاعات فراوانی درباره مصادیق آیین‌های عاشورایی در دوره آل بویه در متون تاریخی آمده است. ولی این نقش در دوره ایلخانان و تیموریان، به جز غازان‌خان و اولجایتو ایلخانی، کمتر بوده است. در دوره‌های بعد تا صفویه، اگرچه حکومت‌هایی با عنوان «حکومت شیعه‌مذهب» مانند قراقویونلوها بودند ولی اطلاعات چندانی در این خصوص به دست نیامد.

وقف و نذورات در گسترش آیین‌های عاشورایی بین سال‌های ۳۳۴-۹۰۷ ه.ق. در حوزه جغرافیایی ایران غیرمستقیم مؤثر بوده است، به طوری که هم‌اکنون مسلمانان شیعه‌مذهب، به‌ویژه اثناعشری، به منظور حفظ و تقویت تشیع و به‌ویژه زنده نگه‌داشتن و بزرگ‌داشت مراسم امام حسین (ع) موقوفاتی را وقف این امور می‌کنند. در واقع، می‌توان گفت موقوفات، نذورات و صدقات در برپایی آیین‌های عاشورایی و مراسم تشیع از عهد آل بویه تا آغاز عصر صفویه نقش مؤثری داشته و زمینه را برای رسمیت یافتن آن در ادوار بعدی، به‌خصوص دوره صفویه، فراهم کرده است.



## پی‌نوشت‌ها

۱. «به مقرری ماهانه در فارسی گویند» (معین، ۱۳۸۰: ۱۸۰/۱).

## منابع

ابن اثیر، عزالدین علی بن الأثیر (۱۳۶۴). *کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران*، ترجمه: علی هاشمی حائری، تهران: علمی، ج ۱۵.

ابن شبه نمیری، ابوزید عمر (۱۴۱۰). *تاریخ مدینه المنوره*، قم: دار الفکر، ج ۲.

ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۰۷). *البدایة والنهایة*، بیروت: دار الفکر، ج ۱۳.

اشپولر، برتولد (۱۳۸۶). *تاریخ مغول در ایران*، ترجمه: محمود میرآفتاب، تهران: علمی فرهنگی، چاپ نهم.

افشار، ایرج (۱۳۵۴). *یادگارهای یزد*، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی ایران، ج ۲.

اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۴). *تاریخ مغول*، تهران: امیرکبیر، ج ۸.

ایزدی، حسین؛ اسماعیل‌زاده، صدرالله (۱۳۹۱). «جایگاه وقف در توسعه تشیع در عصر ایلخانان»، در: *تاریخ اسلام*، س ۱۳، ش ۵۰، ص ۱۵۱-۱۸۲.

ایزدی، حسین؛ اسماعیل‌زاده، صدرالله (۱۳۹۱). «جایگاه وقف در توسعه تشیع در عصر ایلخانان»، در: *تاریخ اسلام*، س ۱۳، ش ۵۰، ص ۱۵۱-۱۸۲.

ایزدی‌نیا، زینب (۱۳۹۴). «بررسی مسئله وقف در حکومت آل بویه»، در: *وقف: میراث جاویدان*، ش ۹۱ و ۹۲، ص ۶۳-۸۰.

باسورث، کلیفورد ادموند (۱۳۸۱). *سلسله‌های اسلامی جدید: راهنمای گاه‌شماری و تبارشناسی*، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران (باز)، چاپ اول.

بیانی، شیرین (۱۳۷۱). *دین و دولت در عصر مغول*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ج ۲.

پرایس، کریستین (۱۳۸۹). *تاریخ هنر اسلامی*، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم.

پسندیده، محمود (۱۳۸۳). «چهار مدرسه موقوفه از دوره تیموریان و صفویان»، در: *وقف: مدرسه جاویدان*، ش ۴۷ و ۴۸، ص ۱۴-۱۸.

پوراحمدی، حسین (۱۳۸۸). «آل بویه و نقش آنان در برپایی مراسم و مواسم شیعه امامیه در عراق»، در: *شیعه‌شناسی*، ش ۳ و ۴، ص ۱۰۷-۱۲۲.

جعفری، جعفر بن محمد (۱۳۸۴). *تاریخ یزد*، تصحیح: ایرج افشار، تهران: علمی فرهنگی، چاپ سوم.  
جعفری، مرضیه؛ محمدی، رضا (۱۳۹۷). «نقش تاشی خاتون در توسعه حرم حضرت احمد بن موسی شاه چراغ (ع)»، در: *رهیافت فرهنگ دینی*، س ۱، ش ۲، ص ۷۹-۹۰.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱). *لغت‌نامه*، زیر نظر: محمد معین، تهران: دانشگاه تهران، ج ۴۹.

روملو، حسن بیگ (۱۳۷۴). *احسن التواریخ*، تصحیح و تحشیه: عبدالحسین نوایی، تهران: اساطیر، ج ۱ و ۲، چاپ اول.

شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد (۱۳۷۶). *مجمع الانساب*، تصحیح: میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.

شورمیج، مهتاب (۱۳۹۸). *بررسی و تحلیل آیین‌های عاشورایی در ایران از آل بویه تا آغاز عصر صفوی*، رساله دکتری، استاد راهنما: منصور داداش‌نژاد، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.

شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۷۶). *مجالس المؤمنین*، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة، ج ۲.

الشیبی، کامل مصطفی (۱۳۷۴). *تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری*، ترجمه: علی‌رضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.

طریحی، فخرالدین بن محمدعلی (۱۴۰۸). *مجمع البحرین*، تحقیق: سید احمد حسینی، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ج ۲.

علی‌زاده، زهره؛ سام، علی (۱۳۹۴). «بررسی موقوفات زنان در دوره تیموری»، در: *وقف: میراث جاویدان*، ش ۹۱ و ۹۲، ص ۱۴۱-۱۵۸.

فرهنگ ایران‌زمین (۱۳۵۴). *بنیادگذاران: محمدتقی دانش‌پژوه و دیگران*، صاحب‌امتیاز: ایرج افشار، تهران: چاپ‌خانه بهمن، چاپ دوم، ج ۲۰.

فصیح خوافی، احمد بن محمد (۱۳۴۱). *مجمل فصیحی*، تصحیح: محمود فرخ، تهران: باستان، ج ۱.

فقیهی، علی اصغر (۱۳۶۶). *آل بویه و اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم آن عصر*، اصفهان: مؤلف، چاپ اول.

القاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد (۱۳۴۸). *تاریخ الجایتو*، به اهتمام: مهین همبلی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

قریشی کرین، سید حسن (۱۳۹۷). «مجدالملك قمی، وزیر شیعی سلجوقیان و نقش او در خدمت‌رسانی به شیعه»، در: *شیعه‌شناسی*، س ۱۴، ش ۵۵، ص ۷-۲۶.

لمبتون، آن؛ نیوتون، کرک (۱۳۸۴). «بررسی موقوفات ایران در قرن ۶ و ۸ هجری»، ترجمه: مجتبی کیانی، در: *وقف: میراث جاویدان*، ص ۷۶-۹۳.

مجلس *التواریخ والتقصص* (۱۳۱۸). *تصحیح: ملک الشعراى بهار*، به همت: محمد رضانی، تهران: کلاله خاور.

مستوفی، حمدالله (۱۳۸۱). *تاریخ گزیده*، به اهتمام: عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم. مطهری، حمیدرضا؛ اسماعیل‌زاده؛ صدرالله (۱۳۹۴). «کارگزاران شیعه امامیه در دستگاه حکومتی سلجوقیان»، در: *سخن تاریخ*، س ۹، ش ۲۱، ص ۳۱-۴۶.

معین، محمد (۱۳۸۰). *فرهنگ فارسی (متوسط)*، تهران: امیرکبیر، چاپ هجدهم، ج ۱. منشی قزوینی، بوداق (۱۳۷۸). *جواهر الأخبار: بخش تاریخ ایران از قراقویونلو تا سال ۹۱۴ ه.ق.*، *تصحیح و تعلیقات: محسن بهرام‌نژاد*، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، چاپ اول. منشی کرمانی، ناصرالدین (۱۳۳۸). *نسائم الاسمار من لطائم الاخبار*، *تصحیح، مقدمه و تعلیق: میر جلال‌الدین حسینی ارموی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

میرخواند، محمد بن خاوندشاه بن محمود (۱۳۸۰). *تاریخ روضة الصفا فی سیرة الانبیاء والملوک والخلفاء*، *تصحیح و تحشیه: جمشید کیان‌فر*، تهران: اساطیر، چاپ اول، ج ۶.

نخجوانی، حاج حسین (۱۳۴۳). *چهل مقاله*، به کوشش: یوسف خادم هاشمی‌نسب، تبریز: بی‌نا. نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر (۱۳۶۳). *تاریخ بخارا*، ترجمه: أبونصر أحمد بن محمد بن نصر القباوی، تلخیص: محمد بن زفر بن نعمد بن زفر بن عمر، تحقیق: محمدتقی مدرسه رضوی، تهران: توس، ج ۲.

واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). *المغازی*، تحقیق: مارسدن جونس، بیروت: مؤسسة الاعلمی، الطبعة الثالثة، ج ۱.

همدانی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله (۱۹۴۰). *تاریخ مبارک غازی: داستان غازان‌خان*، به سعی و اهتمام و تصحیح: کارلیان، هرتفورد: ستفن اوستین.

همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۵۰). *وقف‌نامه ربع رشیدی*، زیر نظر: مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران: انجمن آثار ملی.

همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۶۷). *جامع التواریخ: تاریخ مغول*، به کوشش: بهمن کریمی، تهران: اقبال چاپ سوم، ج ۲.

همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۹۴۵). *مکاتبات رشیدی*، گردآوری: محمد ابرقوهی، به اهتمام: محمد شفیع، لاهور: انتشارات کلیه پنجاب.

**References:**

- Afshar, Iraj (1975). *Yadgarhay-e Yazd*, Tehran: Entisharat Anjaman Asar-e Meliy-e Iran, vol. 2. [In Persian]
- Aftab, Tehran: *Ilmi Farhangi*, Nineth Edition. [In Persian]
- Alizadeh, Zuhreh; Sam, Ali (2015). “*Barresi-ye Mauqifat-e Zaban dar Daureh-ye Teimooriyan*”, In: *Vaqf: Miras-e Javidan*, no. 91 and 92, pp. 141–158. [In Persian]
- Al-Qashani, Abu al-Qasim Abdullah ibn Muhammad (1969). *Tarikh al-Jaitu*, Compiled by: Muhin Hambali, Tehran: Bangah-e Tarjomeh va Nashr-e Ketab. [In Arabic]
- Al-Shibi, Kamil Mostafa (1995). *Tashayo' va Tasavof ta Aghaze Sade Davazdahom-e Hejri*, Translated by: Ali Reza Zekavati Faraghozalu, Tehran: Amir Kabir, Second Edition. [In Persian]
- Bayani, Shirin (1992). *Din va Daolat dar Asr-e Moghul*, Tehran: Markaz-e Nashr-e Daneshgahi, First Edition, vol. 2. [In Persian]
- Bosworth, Clifford Edmund (2002). *Selseleh hay-e Islamiy-e Jadid: Rahnemay-e Gah shomari va Tabar Shenasi*, Translated by: Fereidun Badrei, Tehran: Markaz-e Bazshenasi-ye Islam va Iran (Baz), First Edition. [In Persian]
- Deh Khoda, Ali Akbar (1962). *Lughat Nameh*, Supervised by: Muhammad Mui'n: Tehran: University of Tehran, vol. 49. [In Persian]
- Faqihi, Ali Asghar (1987). *Al-Bouyeh va Auzae Zaman-e Ishan ba Nemudari az Zindeghi-ye Mardom-e an Asr*, Isfahan: First Edition. [In Persian]
- Farhang-e Iran Zamin* (1975). Bonyadgozaran: Muhammad Taqi Daneshpejuh and others, Saheb Emteyaz: Iraj Afshar, Tehran: Chapkhaneh-ye Bahman, Second Edition, vol. 20. [In Persian]
- Fasih Khavafi, Ahmad ibn Muhammad (1962). *Mujmal Fasihi*, Assessment by: Muhammad Farakh, Tehran: Bastan, vol. 1. [In Arabic]
- Hamadani, Khojeh Rashid al-Din Fadhlullah (1940). *Tarikh-e Mobarak-e Ghazani: Dastan-e Ghazankhan*, Compiled and Assessment by: Karliyan, Hertford: Stephen Austin. [In Persian]

- Hamadani, Khojeh Rashid al-Din Fadhlullah (1945). *Makatibat Rashidi*, Compiled by: Muhammad Abar Quhi, Compiled by: Muhammad Shafi', Lahore, Entesharat-e Kuliye Panjab. [In Persian]
- Hamadani, Khojeh Rashid al-Din Fadhlullah (1972). *Vaqfnameh-ye Rob' Rashidi*, Supervised by: Mojtaba Minavi and iraj Afshar, Tehran: Anjaman-e Asar-e Meli. [In Persian]
- Hamadani, Khojeh Rashid al-Din Fadhlullah (1989). *Jami' al-Tawarikh: Tarikh-e Moghul*, Compiled by: Bahman Karimi, Tehran: Third Edition, vol 2. [In Arabic]
- Ibn Athir, Izz al-Din Ibn al-Athir (1985). *Kamil-e Tarikh-e Bozorg-e Islam va Iran*, Traslated by: Ali Hashimi Hairi, Tehran: *Ilmi*, vol. 15. [In Persian]
- Ibn Kathir, Ismail (1986). *Al-Bidayah wa al-Nihayah*, Beirut: Dar al-Fikar, vol. 13. [In Arabic]
- Ibn Shubah Numayri, Abu Zaid Umar (1989). *Tarikh Madinat al-Munawara*, Qom: al-Fikar, vol. 2. [In Arabic]
- Izadi Niya Zaynab (2015). “*Barresi-ye Mas'aleh-ye Vaqf Dar Hukumat-e Al-Bouyeh*”, In: *Vaqf: Miras-e Javidan*, no. 91 and 92, pp. 63 – 80 [In Persian]
- Izadi, Husayn; Ismailzadeh, Sadrollah (2012). “*Jayegah-e Vaqf Dar Tause'e Tashayu' Dar Asr Ilkhanan*”, In: *Tarikh-e Islam*, pp. 13, no. 50, pp. 151 – 182. [In Persian]
- Izadi, Husayn; Ismailzadeh, Sadrollah (2012). “*Jayegah-e Vaqf Dar Tause'e Tashayu' Dar Asr Ilkhanan*”, In: *Tarikh-e Islam*, pp. 13, no. 50, pp. 151 – 182. [In Persian]
- Ja'fari, Ja'far ibn Muhammad (2005). *Tarikh-e Yazd*, Assessment by: Iraj Afshar, Tehran: *Ilmi-ye Farhangi*, Third Edition. [In Persian]
- Ja'fari, Marziyeh; Muhammad, Reza (2018). “*Naghshe Tashi Khatoon dar Tause'eh Haram-e Hazrat-e Ahmad ibn Musa Shah Cheragh*”, In: *Rahyaft-e Farhang-e Dini*, vol. 1, no. 2, pp. 79 – 90. [In Persian]
- Lambton, Ann: Newton, Kirk (2005). “*Barresi-ye Mauqufat-e Iran dar Qarn-e Sheshom va Hashtom Hejri*”, Translated by: Mojtaba Keyani, In: *Vaqf: Miras-e Javidan*, pp. 76 – 93. [In Persian]

- Mirkhwand, Muhammad ibn Khwandshah ibn Mahmud (2001). *Tarikh Raudhat al-Safa fi Sirat al-Anbiya' wa al-Muluk wa al-Khulafa*, Assessment and Commentary by: Jamshid Kiyanfar, Tehran: Asatir, First Edition, vol. 6. [In Arabic]
- Motahari, Hamid reza; Ismailzadeh; Sadrollah (2015). “*Kargozaran Shi'eh Imamiye dar Dastgah-e Hukumati-ye Saljokiyan*), In: *Sokhan-e Tarikh*, vol. 9, no. 21, pp. 31 – 46). [In Persian]
- Mu'in Muhammad (2001). *Farhang-e Farsi (Motavaset)*, Tehran: Amir Kabir, Eighteenth Edition, vol. 1. [In Persian]
- Mujmal al-Tawarikh wa al-Qaswas* (1939). Assessment by: Malik al-Shu'arai Bahar, Compiled by: Muhammad Ramazani, Tehran: Kalaleh Khavar. [In Arabic]
- Munshi Kermani, Nasir al-Din (1959). *Nasaim al-Asmar min Lataim al-Akhbar*, Assessment, Introduction and Commentary by: Mir Jalal al-Din Husayn armavi, Tehran: Entesharat-e Daneshgah-e Tehran (University of Tehran Publications). [In Arabic]
- Munshi Qazvini, Budaq (1999). *Javahir al-Akhbar: Bakhsh-e Tarikh-e Iran az Qara Qoyunlu ta Sal-e 1576*. Assessment and Commentary by: Mohsen Bahramnejad, Tehran: Markaz-e Nashr-e Miras-e Maktub, First Edition. [In Persian]
- Mustawfi, Hamdallah (2002). *Tarikh Gozideh*, Compiled by: Abd al-Husayn Navai, Tehran: Amir Kabir, Fourth Edition. [In Persian]
- Nakhjavani, Haj Husayn (1964). *Chehel Maqaleh*, Compiled by: Yusuf Khadem Hashemi Nasab, Tabriz: [In Persian]
- Narshakhi, Abu Bakr Muhammad ibn Ja'far (1984). *Tarikh-e Bokhara*. Translated by: Abu Nasr Ahmad IBN Muhammad Nasr al-Qabavi, Summarized by: Muhammad ibn Zafar ibn Nahmad ibn Zafar ibn 'Umar, Research by: Muhammad Taqi Madrased Razavi, Tehran: vol. 2. [In Persian]
- Pasandideh, Muhammad (2004). “*Chahar Madreseh-ye Mauqufeh az Daureh-ye Teimooriyan va Safaviyan*), In: *Vaqf: Madreseh-ye javidan*, no. 47 and 48, pp. 14 – 18. [In Persian]

- Price, Christine (2010). *Tarikh-e Honar-e Islami*, Translated by: Mas'oud Rajab Niya, Tehran: Amir Kabir, Fourth Edition. [In Persian]
- Pur Ahmadi, Husayn (2009). “*Al Bouyeh va Naqsh-e Anan dar Barpai-ye Marasim-e Shi'eh Imamayeh dar Iraq*”, In: *Shi'eh Shenasi*, no. 3 and 4, pp. 107 – 122. [In Persian]
- Qoreishi, Karin, Sayyid Hassan (2018). “*Majd al-Malik Qomi, Vazir-e Shi'i Saljokiyān va Naqsh-e U dar Khedmatresani be Shi'eh*”, In: *Shi'eh Shenasi*, vol. 14, no. 55, pp. 7 – 26 [In Arabic]
- Rumlu, Hasan Beg (2000). *Ihsan al-Tawarikh*, Assessment and Commentary by: Abdul Husayn Nawai, Tehran: Asatir, vol. 1 and 2, First Edition. [In Arabic]
- Shabankarei, Muhammad ibn Ali ibn Muhammad (1997). *Majmau al-Ansab*, Assessment by: Mir Hashem Mohades, Tehran: Amir Kabir, Second Edition. [In Arabic]
- Shushtari, Qazi Nurullah (1997). *Majalis al-Mu'minin*, Tehran: Ketab Furush Islamiyeh, vol. 2. [In Arabic]
- Spuler, Bertold (2007). *Tarikh-e Moghul Dar Iran*, Translated by: Mahmud Mir. [In Persian]
- Tarihi, Fakhr al-Din ibn Muhammad Ali (1987). *Majma' al-Bahrain*, Research by: Sayyid Ahmad Husayn, Qom: Daftar-e Nashr-e Farhang-e Islami, Second Edition, vol. 2 [In Persian]
- Waqidi, Muhammad ibn 'Umar (1988). *Al-Maghazi*, Research by: Marsden Jones, Beirut: Muasasat al-Ilmi, Third Edition, vol. 1. [In Arabic]